

دکتر مریم خلیلی جهانتیغ*

دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی

دانشگاه سیستان و بلوچستان

سمانه منصوری آل هاشم**

دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی

دانشگاه سیستان و بلوچستان

فصلنامه مطالعات شبه قاره

دانشگاه سیستان و بلوچستان

سال چهارم، شماره دهم، بهار ۱۳۹۱

(صص ۴۸-۲۷)

تشبیه و بسامد کاربرد آن در دیوان سعید خان مولتانی

چکیده

مقاله‌ی حاضر به بررسی تشبیه و طبقه بندی انواع آن در دیوان سعید خان مولتانی می پردازد. نمایاندن ارزش ادبی و هنری هر اثر منوط به زیبایی شناسی آن است؛ تشبیه علاوه بر اینکه از ارکان مهم و اساسی علم بیان محسوب می شود؛ بررسی و تحلیل انواع آن از نظر ساختار و محتوا می تواند بیانگر سبک و زبان خاص شاعر نیز باشد. از این روی بررسی اثر سعید خان مولتانی، از منظر کاربرد تشبیه می تواند راهگشایی برای علاقه مندان به آثار ادبی جهت فهم بهتر شعر و زیبایی های شعری ایشان باشد.

در این مقاله با استفاده از اطلاعاتی که از تحلیل دقیق و کامل تشبیهات در دیوان سعید خان به دست می آید، بسامد کاربرد تشبیه در شعر شاعر مشخص خواهد شد تا گرایش شاعر به این تمهید هنری و نقش آن در وجهه ی ادبی سخن او آشکار گردد. نتیجه ی کلی

*Email: khalili@Lihu.usb.ac.ir

**Email: mansuri@hamoon.usb.ac.ir

این تحقیق رویکرد شاعر به تشبیه در نمایش عاطفه است که از ویژگی های سبک خراسانی می باشد.

کلید واژه‌ها: سعید خان مولتانی، دیوان، تشبیه.

مقدمه

محمد سعید قریشی مولتانی از شاعران و ادیبان برجسته ی فارسی زبان پاکستان در سده ی یازدهم هجری است. "سعید خان در ۱۳۰۲/۱۳۱۳م، در مولتان- یکی از شهرهای تاریخی پنجاب پاکستان و مرکز بزرگ علمی و ادبی و فرهنگی و عرفانی شبه قاره- به دنیا آمد. نام او محمد سعید است. بعدها به نام "سعید خان قریشی" اشتهار یافت. در نوشته هایش، خود وی نیز همین نام را به کار می برد؛ تخلص او سعید است و به صورت غیر منقوط اسعد را نیز به عنوان تخلص آورده است. قریشی نسب خانوادگی اوست. خان خطاب اوست". (مولتانی، ۱۳۷۸: ۶۸-۶۹)

از پدر و مادر سعید و نیاکانش خبری در دست نیست. در دانشنامه ادب فارسی درباره او آمده است "تحصیلاتش را در زادگاهش به پایان رسانید. پس از آن به شاعری روی آورد. در سال ۱۰۵۱ق به لاهور کوچید و به دربار شاه جهان (۱۰۳۷-۱۰۶۷ق) راه یافت. از سوی شاه جهان برای سرکوبی دشمنان به نواحی کانگره و سپس به قندهار، بست بلوچستان، سیوستان فرستاده شد. پس از آن با لشکریانی که فرماندهی آن را اورنگ زیب (۱۰۶۸-۱۱۱۸ق) عهده دار بود به مبارزه با شاهان ازبک پرداخت. شاه جهان سعید را برای ارشاد شاهزاده مراد فرزند چهارم خود به گجرات فرستاد. هنگامی که مراد از دکن به کابل کوچید، وی حسابرس و وقایع نویس کابل شد. شاهزاده مراد، سعید را با تحفه هایی به دربار اورنگ زیب در مولتان و اکبر آباد و دربار شاه شجاع در پنتا و اکبر آباد و بنگاله فرستاد. در ۱۰۶۱ق مراد به وی لقب خان داد. شاه جهان یکی از فرمانروایان خود به نام علی نقی را جای گزین وی کرد. پس از آن سعید به اجمیر رفت و چند روزی را در خدمت معین الدین چشتی گذراند. چندی به

دربار داراشکوه (۱۰۶۹ق) در اکبر آباد رفت. سپس به دربار اورنگ زیب (۱۰۶۸-۱۱۱۸ق) راه یافت" (انوشه، ۱۳۸۱:۱۳۹۹)

محمد بشیر حسین نیز در مورد ادامه ی زندگی سعید خان چنین می نویسد که "اورنگ زیب او را حاکم مولتان معین نموده بود." (محمد بشیر حسین شفیع، ۱۹۷۲:۱۷۷) اما در مقدمه ی دیوان در مورد بازگشت دوباره او به مولتان چنین آمده است که "بعد از ترک نوکری مراد بخش، سعید در سال ۱۰۶۶/۱۶۵۶م احمد آباد گجرات را ترک کرد و تصمیم گرفت که، به وطن مألوف رسیده، بقیه ی عمر در گوشه انزوا به سر برد و به عبادت معبود حقیقی پردازد." (مولتانی، ۱۳۷۸:۱۱۴)

درباره ی استادان و چگونگی تحصیلات وی نیز اطلاعاتی در دست نیست ولی از تسلط وی بر فن شعر و نشانه های علم و فضل که از آثارش آشکار است، باید به این نتیجه رسید که او مردی تحصیلکرده بوده و در علوم رایج در آن زمان مهارت داشته است. آن گونه که در مقدمه دیوان او آمده است او در ابتدای جوانی بیشتر به اختلاط با خوبریان و لهُو و لعب میپرداخته اما بعد از اینکه زکریای مولتانی را در خواب می بیند از خواب غفلت بیدار و به اشعار معنادار و توحیدی و عرفانی روی می آورد.

درباب تاریخ وفات وی نیز در شمع انجمن چنین آمده است: سعید خان "مدت چهار سال با پدر شیر علی خان لودی (صاحب مرآت خیال) محبت داشته، پس از مرگ پدر شیر علی خان (۱۰۸۴ه) همواره خواهان مرگ بود تا در پنج شنبه اواخر رمضان ۱۰۸۷ه در هنگامی که به حکم پادشاه به مولتان رفته بود، رحلت کرد." (صدیق حسن خان، ۱۳۸۶:۳۲۹)

پیشینه ی تحقیق

در برخی از تذکره ها همچون نشتر عشق، مخزن الغرایب، صحف ابراهیم، همیشه بهار و همچنین دانشنامه ادب فارسی درباره ی سعید خان مولتانی، این شاعر پارسی گوی پاکستانی مطالبی ذکر شده است که در جای خود حائز اهمیت است و ما را با گوشه هایی

از احوال و آثار وی آشنا می سازد. همچنین در تصحیحی که از دیوان شاعر توسط «غلام معین الدین نظامی» صورت گرفته؛ در باب شعر او نیز به اختصار سخنانی ذکر شده است. این تصحیح پایان نامه ی دوره ی دکتری زبان و ادبیات فارسی معین الدین نظامی بوده که در دانشگاه پنجاب لاهور به راهنمایی پروفیسور آفتاب اصغر انجام یافته است. ولی به صورت اختصاصی در زمینه ی موضوع مورد نظر این مقاله یعنی تشبیه در دیوان سعید مولتانی تاکنون تحقیق مستقلی صورت نگرفته است.

اشعار سعید خان

بخش عمده ی اشعار سعید در مدح بزرگان دین و عارفان است. او بر مذهب اهل سنت و جماعت است اما ارادت به اهل بیت و دوازده امام نیز از جای جای دیوانش آشکار است از جمله در قصیده ی «خلاصه العقاید» ائمه اثنا عشر را وصف کرده و در قصیده ی «صفات العشق» حضرت علی را مدح گفته و قصیده ی «طریق الهدی» وی به مدح امام موسی کاظم اختصاص دارد. او در تمامی انواع سخن طبع آزمایی کرده و موفقیت چشم گیری کسب نموده است و با حاضر جوابی و بدیهه گویی خویش پیش خواص و عوام از استقبال شایانی برخوردار بوده است؛ چنان که در مخزن الغرایب به هنر بدیهه گویی وی اشاره رفته است "در روز عید فطر پیش شاهزاده رفت - چون نظر سلطان بر وی افتاد فرمود در تهنیت عید چیزی گفته ای؟ و حال آنکه شیخ چیزی نگفته بود - به عرض رسانید: که بله صاحب عالم گفته ام - سلطان متوجه شد و گفت: بخوان شیخ را کاغذی سفید در جیب بوده بر آورد - چون دانست که خاطر سلطان به شراب مایل است در همان تمهید بدیهه غزل شروع نمود." (صدیق حسن خان، ۱۳۸۶: ۶۹۶) وی از طریقه سخنوری استادان مسلم شعر فارسی تأثیر فراوانی پذیرفته است؛ اما در این تأثیر پذیری تعادل گراست. بزرگترین شاعری که در اشعارش از آن تأثیر فراوان پذیرفته حافظ است که بخصوص در جای جای غزلیاتش تأثیر پذیری از آن شاعر بزرگ نمایان است اما مضامین وام گرفته را به نوعی تازه جلوه داده است. قدرت سخنوری او در قالب قصیده نیز مسلم است و در این نوع شعری می توان وی را مقلد انوری، ظهیر و امثال آن به حساب آورد. در تشابیب اکثر قصاید وی می توان مایه

هایی از شعر بزمی و عشقی را مشاهده کرد که لطافت اشعار او را دوچندان میکنند و در توصیف مناظر طبیعی نیز موفق بوده است.

اندیشه های عرفانی همچون توکل، استغنا و... که سرتاسر دیوان او را زینت داده نمایانگر دید خاص و عرفانی شاعر است البته گرایش به عرفان از مدح عارفانی چون شهاب الدین، زکریای مولتانی، و عبدالقادر جیلانی به وضوح مشهود است. با وجود اینکه در سده ی یازدهم می زیسته و سبک مسلط این دوره سبک هندی بوده اما شعر او از ویژگی های افراطی سبک هندی خالی است؛ او طبق سنت های دیرینه ی شعر فارسی و به سبک عراقی و خراسانی شعر می سرود و دارای طرز بیان ساده و روان و در عین حال متین و استوار بود اما کثرت شیوه ی بیان تشبیهی اشعار او، حاکی از نزدیکی نسبی شعر او به سبک خراسانی است. گاهی مضامین کلیشه ای نیز به شعر او راه یافته ولی روی هم رفته شعر او را می توان از بهترین نمونه های شعر فارسی در شبه قاره محسوب داشت. علاوه بر قصاید و غزلیات از آثار دیگری که در کلیات او موجود است می توان قصاید، ترکیب و ترجیع بند، رباعیات، ساقی نامه، رساله ی شوقیه و رساله جواب و خطاب را نام برد

تشبیه

تمام صنایع ادبی، ابزارها و لوازمی هستند که به یاری شاعر یا نویسنده می آیند تا به کمک آن زبان روزمره و عادی به یک زبان عاطفی و متفاوت تبدیل شود. و این فرایند هنری است که سبب ماندگاری و کمال شعری بزرگان ادب شده است؛ در واقع این بزرگان عواطف عمیق و عالی خویش را نسبت به دنیای اطراف خویش با کوششی خلّاقانه بر روی زبان و لوازم آن به تصویر کشیده اند. یکی از بزرگترین لوازم و ابزاری که کمک شایانی به زیبایی و خیال انگیزی کلام شاعر و تأثیر گذاری و کمال شعری شاعر دارد، تشبیه است؛ که در مورد اهمیت تشبیه می توان چنین یادآور شد که رکن و پایه بیشتر صنایع بر تشبیه استوار است؛ چنان که اساس صناعی چون استعاره و کنایه و برخی از صنایع بدیعی را نیز تشبیه تشکیل می دهد.

بهترین تعریفی که می توان از این صنعت ارائه داد تعریف همایی از تشبیه است. "تشبیه از امور طبیعی هر قوم و ملتی است. ریشه تشبیه را از قیاس اصولی و تمثیل منطقی جستجو باید کرد، انسان می خواهد مقصود خود را مجسم کند؛ ناچار به تشبیه متوسل می شود و امر طبیعی این است که یک فرد کامل تر را در نظر بگیرد و امر ناقص را بدان مانند کند. هر قدر تشبیه کهنه تر باشد طبیعی تر و به امور طبیعی ساده نزدیک تر است و عکس قضیه هر قدر تشبیه ساده تر باشد قدیمی تر و کهنه تر است. از اینجا می توان تاریخ تشبیهات را به تقریب معین کرد. از روی تشبیه می توان ماهیت و قومیت و آداب و رسوم هر قوم و محیط زندگانی و جغرافیای محلی و محصولات و امور موجود هر ناحیه و نیز تاریخ صدور تشبیهات را به خوبی معلوم کرد." (همایی، ۱۳۷۳: ۱۳۸) با بررسی تشبیهات شعریک شاعر می توان بیشتر با فکر وی آشنا شد و اثر او را درک کرد. در کتب بلاغی تقسیم بندی های گوناگونی در باب تشبیه از حیث ارکان صورت گرفته. از جمله ی این تقسیم بندی ها تقسیم بندی کتاب سیب باغ جان است که، تشبیه را به دو دسته، تشبیه فشرده و گسترده تقسیم کرده است (خلیلی جهانتیغ، ۱۳۸۰: ۱۰۳)

تشبیه فشرده: تشبیه فشرده، تشبیهی است که "در آن فقط دو طرف تشبیه یعنی «مشبه» و «مشبه به» وجود دارد. به نظر می رسد که این نوع تشبیهات از جهت ساخت گرایش بیشتری به استعاره دارند و این همانی آن ها بیشتر است." (همان: ۱۰۳) تشبیه فشرده به جهت کوتاهی و فشردهگی ساختار و حذف «وجه شبه» و «ادات تشبیه» از بلاغت و تأثیر بیشتری نسبت به تشبیه گسترده برخوردار است، "از این رو به این ساختار تشبیه بلیغ گفته می شود؛ چرا که همواره ذهن شنونده و مخاطبش را برای دست یافتن به رابطه ی طرفین تشبیه یا وجه شبه آن دو به جستجو و کوشش و می دارد و قدرت تخیل او را در این جهت فعال می نماید." (میر صادقی، ۱۳۷۳: ۸۳) این نوع تشبیه، موجزترین تشبیه و مرز بین استعاره و دیگر تشبیهات است که اگر رکنی از آن حذف شود، به استعاره تبدیل می شود. تشبیه بلیغ از میان تشبیهات دیگر، زیباترین نوع تشبیه است. حذف «ادات» و «وجه شبه» حالت معما گونه ای به این تشبیه می دهد و خواننده را برای کشف و رسیدن به

مقصود، به درنگ وامی دارد و در نهایت احساس لذت مضاعفی را برای او به ارمغان می آورد.

با مقایسه تشبیه فشرده با تشبیه گسترده، به این نتیجه نائل می شویم که، تشبیه فشرده به علت کوتاهی ساختار نحوی، «مشبه» و «مشبه به» آن هر دو یک نقش را ایفا می کنند؛ به عبارت دیگر، نقش نحوی طرفین تشبیه، در اضافه تشبیهی یکی می گردد. در حالی که در تشبیه گسترده، هر یک از «مشبه» و «مشبه به» نقش نحوی جداگانه ای به عهده دارند.

۱- غنچه ی طبعم زدی صدخنده برباغ ارم از نسیم التفات میرزای کامیاب

(مولتانی، ۱۳۷۸: ۲۵۸)

«غنچه» در آثار ادبی به صورت نمادی برای نشکفتگی و درعین حال مستعد شکوفایی مطرح است. با این تشبیه شاعر به بیان خدمات ممدوح خویش نیز می پردازد که طبع همچون غنچه ی اورا شکوفا کرده است.

۲- به چندین فیض، خورشید سخن را ظهور از مطلع ثانی ببینید

(همان: ۲۸۵)

شاعر کلام خویش را از جهت عالم گیری و روشن بودن به «خورشید» تشبیه کرده و در ادامه به زیبایی وجه شبه دیگری را یادآور می شود و آن طلوع از مطلع است که شاعر آوردن مطلع دیگر را چنین ترسیم می کند.

۳- لشکر صوم به شبگیر بلند از بیمش شد گریزان که شب عید ز دنبال رسید

(همان: ۲۸۷)

در این بیت آمدن عید به زیبایی به تصویر کشیده شده است و باتشبییه اضافی «لشکر صوم» به بیان انبوهی روزهای روزه داری در برابر تکسوار شب عید و ناتوانی و گریز این لشکر انبوه از مقابله با یکه سوار می پردازد.

تشبیه گسترده: منظور از تشبیه گسترده، تمام تشبیه هایی هستند که "ساختار آن ها بیشتر به صورت گسترش یافته است و ارکان تشبیه در این ساخت بیش از ساخت تشبیه فشرده، ذکر می شود و محدودیت آن را ندارد." (خلیلی جهانتیغ، ۱۳۸۰: ۱۰۹) اگر چه؛ «ذکر ادات» و «وجه شبه» از ارزش و تأثیر تشبیه می کاهد اما گاه شاعر برای برجسته کردن و تأکید بر موضوع این کار را می کند. در این نوع تشبیه، هنگامی که شاعر تمامی ارکان تشبیه را ذکر می کند، جایی برای مشارکت ذهن و خیال خواننده باقی نمی ماند؛ پس طبیعتاً لذت این نوع تشبیه در مقایسه با تشبیهی که خواننده ذهن و خیال خویش را در دریافت تصویر مشارکت می دهد کمتر است؛ به همین دلیل، اکثر شاعران در بیان تشبیه «ادات تشبیه» و «وجه شبه» را حذف می کنند و بسامد تشبیه بلیغ در آثار شاعران بالاتر از تشبیهات گسترده است.

انواع تشبیه از جهت وجود یا عدم ادات تشبیه

تشبیه مرسل یا صریح

اگر در تشبیه، ادات تشبیه ذکر شود، آن را تشبیه مرسل یا صریح گویند. در این نوع تشبیه "نقش ادات تشبیه نوعی پیشنهاد برای عبور از «مشبه»، به سوی «مشبه به» است." (هاوکس، ۱۳۷۷: ۱۳)

در اشعار سعید مولتانی استفاده از اداتی چون «چو، گون، همچون، سان، وار و عین، چون و...» سراغ داریم که به نمونه هایی از آن اشاره می رود:

۱- از بس که در ره تو به فریاد وناله ایم رگ های ما شده است چو تار ربایها

(مولتانی، ۱۳۷۸: ۲۴۴)

۲- بی می گلگون، ز موج شیشه اینجا سر خوشند

بزم عشق است ای حریفان خانه ی خمار نیست

(همان: ۲۶۲)

۳- دل غنچه سان هر نفس در بر من از آن لاله روی سمنبر بلرزد

(همان: ۲۷۹)

تشبیه مؤکد: اگر «ادات تشبیه» حذف شود، تشبیه مؤکد نامیده می شود. قدما "در مورد حذف یا ذکر ادات به طور علمی و دقیق به جستجو نپرداخته اند که کدام از این دو نوع جنبه ی هنری بیشتری دراد و از نظر روانی و تأثیر کدام یک نیرومند تر است... حذف ادات که اندک اندک تشبیه را به استعاره نزدیک می کند، عاملی است برای پر تأثیر کردن و نیرو بخشیدن به تشبیه. زیرا غرض از تشبیه «عینیت بخشیدن» به دو چیز مختلف است یا بهتر بگوئیم عینیت بخشیدن است به دو چیزی که «غیریت» دارند و چون ادات حذف شود، عینیت به صورت محسوس تر و دقیق تری نمایانده می شود." (شفیعی کدکنی، ۱۳۶۶: ۵۶)

۱- چشم تو خون ریز مست، دشنه گرفته به دست تو به به عالم شکست، داده به مستی صلا

(مولتانی، ۱۳۷۸: ۲۴۵)

در این بیت چشم را بدون آوردن ادات به مست خون ریز تشبیه کرده و باعث شده که، دو امر جدا از هم، چنان وحدتی با هم پیدا کنند که فقط ذهن یک خواننده ی موشکاف از پس تشخیص آن برآید.

۲- تیغ سنان تو باشد به شرق و غرب طالع بر آفتاب فلک دیگر آفتاب

(همان: ۲۵۶)

همان گونه که ابیات بیانگر است؛ در این نوع تشبیه ادعای همانندی بیشتر است و تأثیر گذاری شعر بیشتر و همچنین شاعر با استفاده از تصاویر شاعرانه برای بیان اندیشه های خویش تأثیر مضاعفی را در شعر خویش به وجود آورده است.

۳- هر که پادر گل ز عشق سرو گل رفتار نیست از نهال زندگی حقا که برخوردار نیست

(همان: ۲۶۲)

یکی از ویژگی های برجسته شعر سعید خان، آوردن چند تصویر در کنار هم در یک بیت است که، بیت بالا، نمونه بارز این ویژگی است که در آن «پا در گل»، «سرو گل رفتار» و «نهال زندگی» در کنار هم زیبایی بلاغی کلام را به نهایت رسانده است. عبارت «سرو گل رفتار» شاهد مدعای ماست که در آن بدون آوردن ادات تشبیه زیبایی خلق شده است.

با بررسی دیوان سعید خان و تشبیهات دیوان او می توان گفت که، بازتاب این تشبیه در دیوان شاعر از بسامد پایین تری نسبت به تشبیهات دیگر برخوردار می باشد و هنگامی که در تشبیه از «ادات» و «وجه شبه» کم تر استفاده می شود بر همانندی طرفین تشبیه بیشتر تأکید می گردد.

انواع تشبیه به اعتبار وجه شبه

تشبیه مفصل: تشبیهی است که وجه شبه آن ذکر شده باشد. " در این تشبیه گاه از باب مسامحه به جای وجه شبه، وصفی مذکور می شود که مستلزم اوست؛ چنانکه در شأن کلام خوب گفته اند: هو كالعسل فی الحلاوه. " (مازندرانی، ۱۳۷۶: ۲۷۵)

در تشبیهات مفصل که «وجه شبه» و «ادات تشبیه» در ساختار آن ذکر می شود، جایگاه چندان برای مخاطب و مشارکت وی در متن باقی نمی ماند. اما از سوی دیگر تشبیهاتی که وجه شبه آنها ذکر نشده یا با وجود وجه شبه ابهامی در آن هاست، منجر به دخالت خواننده و مخاطب می گردد. این نوع متن خواننده را به تولید کننده متن تبدیل می کند:

۱- دشمنت چون چنگ باد از گوشمال چنگ دهر

زار و نالان، سرفکنده، هر رگش در پیچ و تاب (مولتانی، ۱۳۷۸: ۲۶۰)

تشبیهات انواع مختلفی دارند گاه ممکن است در پیوند میان «مشبه» و «مشبه به» دو یا چند مورد وجود داشته باشد، که در این صورت تشبیه نیرومند تر خواهد بود و صدق آن محکم تر، در این بیت نمونه ای از این نوع تشبیه استفاده شده است که پیوند میان دو طرف تشبیه چندین مورد است.

۲- هلال آسا ز مهرش لاغر و زرد هزاران ماه کنعانی ببینید

(همان: ۲۸۵)

عنصر اغراق که خود، یکی از عناصر خیال است با تشبیه غریب و دور از ذهن همراه شده و تصویر بسیار زیبایی را خلق کرده و آوردن اشعار همراه با اغراق در کنار تشبیه طراوت خاصی به شعر او داده و تشبیه نوینی را خلق کرده است.

۳- ز پوست دوستی ای هرزه نان بی معنی میان تهی و پر آوازه گشته ای چون کوس

(همان: ۳۰۶)

شاعر به کمک تشبیه مفصل، در خطاب به انسان بیهوده گو او را همانند کوس میان تهی و پرآوازه می داند.

تشبیه مجمل: در این نوع تشبیه وجه شبه ذکر نمی شود. این نوع تشبیه برای کشف پیوند دو طرف تشبیه مخاطبش را به کوشش و می دارد و قدرت تخیل او را فعال می نماید و با رسیدن به هدف و یافتن پیوند، لذتی مضاعف برای مخاطب به وجود می آورد باید توجه داشت که: با وجود اینکه غرابت در تشبیه اهمیت و تأثیر بسزایی دارد؛ اما اگر تا حدی باشد که انسان را در فهم سخن و رسیدن به مقصود که همان «وجه شبه» است سرگردان

کند دیگر لطفی ندارد و همچنین با حذف وجه شبه و ذکر ادات این تشبیه همان تشبیه مرسل می شود چنان که فرمول تشبیه مرسل نیز ذکر «ادات تشبیه» و حذف «وجه شبه» است در واقع در مجمل تأکید، بر روی «وجه شبه» و در مرسل تأکید بر روی «ادات تشبیه» است. لذا مثال های تشبیه مرسل را می توان به عنوان مثال و نمونه هایی برای تشبیه مجمل نیز محسوب کرد و از ذکر دوباره ی آن خودداری می کنیم. در واقع آن ابیات اگر از نظر «ادات تشبیه» بررسی شوند مرسل و اگر از جهت «وجه شبه» بررسی شوند مجمل به حساب می آیند.

اقسام دیگر تشبیه

- مرکب: مفصود از تشبیه مرکب "لزوماً جمله یا عبارت چند واژه نیست، بلکه مرکب یک هیأت انضمامی است و به قول قدما مرکب، هیأت منتزع از چند چیز است و با زبان امروزی، تابلو و تصویری است ذهنی که چند چیز در به وجود آمدن آن نقش داشته باشد" (شمیسا، ۱۳۷۱: ۷۱)

۱- خط نیست گرد روی تو بل کاتب قضا از مشک تر رقم زده رمزی بر آفتاب

(مولتانی، ۱۳۷۸: ۱۵۵)

در این تشبیه، مشبه هیأتی مرکب از چند چیز است. «خط بر گرد روی معشوق» به مشبه به «خطوطی از مشک تر بر گرد آفتاب» نیز هیأتی مرکب از چند چیز تشبیه شده است، این کلمات در ساختن تشبیه چنان با هم ترکیب دارند که نمی توان تک تک آن ها را جدا گانه به هم تشبیه کرد مثلاً گفت، رخ مانند آفتاب زیرا در این صورت وجه شبه کامل و حتی درست نیست. چون وجه شبه نیز یک هیأت مرکب از چند چیز است نه یک کلمه (قرار گرفتن چیزی سیاه در اطراف چیزی روشن).

۲- بر درگهت سعید قریشی ز روی ذوق باشد چو ذره ای به در انور آفتاب

(همان: ۲۵۶)

شاعر خود را در مقابل سلطان مرادبخش «مشبه مرکب» به ذره در مقابل آفتاب «مشبه به مرکب» تشبیه کرده که «وجه شبه» در آن «قرار گرفتن چیزی کوچک در مقابل چیزی بزرگ» است. در واقع از مجموع چند چیز یک هیأت و تصویر در ذهن شکل می گیرد که نمی توان تک تک آن ها را از هم جدا کرد.

۳- دل عدوی تو در سینه، دم به دم نالان چنان بود که درون کلیسا ناقوس

(همان: ۳۰۸)

در این بیت نیز شاعر، به وسیله تشبیه مرکب، چگونگی ترس دشمن از ممدوح را به زیبایی به تصویر کشیده است.

— **تشبیه تمثیل:** تشبیه تمثیل تشبیهی است که «مشبه به» آن جنبه ی مثل یا حکایت داشته باشد. در این نوع تشبیه وجه شبه " امری آشکار و ظاهری نیست و بر روی هم نیاز به تأویل دارد و باید از ظاهر امر گردانده شود؛ زیرا «مشبه» با «مشبه به»، در صفت حقیقی مشترک نیستند." (شفیعی کدکنی، ۱۳۶۶: ۶۶) در این تشبیه برای اینکه شاعر تصویر ذهنی خویش را به وضوح و روشنی بیان کند و حس ایجاد شده در وجود خود را در شنونده نیز ایجا د نماید، از اندوخته ها و تصاویر آشنای ذهن مخاطب یاری می جوید تا او را با خود همراه سازد.

۱- مثل عشق و عقل چیست به هم سنگریز و دکان شیشه گر است

(همان: ۲۷۱)

بیت در بیان جدال همیشگی عقل و عشق و نگنجیدن آن دو در یک مقام است. همان گونه که با بر خورد سنگ ریزه دارایی شیشه گر یعنی شیشه نابود می شود، در میدان عشق نیز عقل در حکم سنگ ریزه است و می کوشد تاشیشه ی دکان رونق عشق را بشکند اما عشق این فرصت را به عقل نمی دهد و او را از ساحت خود می راند و در سرزمین عاشقی بیگانه و بی مقدارش می سازد.

۲- گلرخان رادر میان زاهدان مقدار نیست پیش هر بی شامه، آری هست بی مقدار گل

(همان: ۳۳۳)

شاعر از تمثیل زیبایی کمک گرفته تا بی ذوقی زاهدان را به روشنی هرچه تمامتر به تصویر کشد و بگوید که در مقابل زاهد پیروزی با عاشق است که شامه ی او بوی جانبخش گل کمال را در می یابد و بی تردید قدر و منزلت آن را می شناسد:

تشبیه تفضیل

ترجیح و برتری «مشبه» بر «مشبه به» است یعنی "گوینده چیزی را به چیزی تشبیه کند و سپس از عقیده ی خود برگردد و «مشبه» را بر «مشبه به» رجحان دهد." (داد، ۱۱۳۷: ۷۶) این نوع تشبیه از ارزش زیبایی شناسی و هنری بالایی برخوردار است؛ چون در آن آشنایی زدایی که یکی از اهداف تشبیه است محسوس تر و مشهود تر است و نیز به کمک این نوع از تشبیه، تشبیهات مبتذل و تکراری را به تشبیه نو و غریب بدل می کنند.

۱- دهن ت پسته ی خندان و ندیده است کسی شکرآمیز سخن پسته ی خندانی را

(مولتانی، ۱۳۷۸: ۴۰۵)

تشبیه دهان به پسته ی خندان تشبیهی است که باید نو و غریب می شد به همین دلیل شاعر به کمک تشبیه تفضیل دهان را به پسته تشبیه کرده است ولی تفاوتی همراه با برتری بین آن دو قایل شده است. به این ترتیب که پسته همراه شکر نیست ولی دهان شکر سخن را همراه دارد.

۲- ترا با گلرخان تشبیه کردن از ادب دور است چه نسبت با گل خورشید، گلهای نهالی را

(همان: ۴۱۱)

معشوق برتر از گل های نهالی است. او گل خورشید است پس چنین تشبیهی از ادب دور است که او را با گلرخان همانند بدانی.

- به دل کی می زند ناخن، هلال عید گر خود را

به ابرویش پس از سالی و ماهی مشتبه دارد

(همان: ۴۴۱)

معشوق زیباست و زیبایی او بی نهایت است، چنان که حتی تشبیه ماه عید به ابروی او چنگی به دل نمی زند.

تشبیه مضمور (پنهان، نهان، مستتر، ضمنی): این تشبیه از شاعرانه ترین انواع تشبیه است "زیرا در آن شاعر، کلام را طوری می آورد که گویی خیال تشبیه ندارد، و همین امر سبب می شود که ذهن مخاطب بیشتر به جست و جو می پردازد و ارتباط را با دقت دنبال می کند." (علوی مقدم و اشرف زاده، ۱۳۷۶: ۱۱۱) در تشبیه پنهان گویی شاعر به دنبال حذف شباهت و یکی دانستن «مشبه» و «مشبه به» است، نه همانند دانستن؛ شباهت به حد نهایت رسیده به گونه ای که دیگر دو چیز وجود ندارد بلکه آن دو یکی شده است.

۱- گر مُهردار تو نبود صبح، از چه رو جای نگین نشانده در انگشتر آفتاب

(مولتانی، ۱۳۷۸: ۲۵۵)

در ظاهر کلام شاعر قصد تشبیه ندارد ولی در کلامش صبح را همچون انگشتری می داند که نگینش از آفتاب است.

۲- چشم و رویش چو بنگرد از چشم گل نسرین و عبهر اندازد

(همان: ۳۱۰)

شاعر به صورت پنهان اشک عاشق را به «گل نسرين و عبهر» مشبه می دارد. در واقع با تشبیه غیر صریح خویش همانندی را نیز کنار می گذارد و اشک عاشق را «گل نسرين و عبهر» می داند نه همانند آن ها.

۳- جز رخس کز هر شکنج زلف او پیدا بود دیده ام هرگز ندیده در شکنج مار گل

(همان: ۳۳۲)

در این بیت نیز شاعر بجز رخ معشوق که در میان چین و شکن زلف نمایان می شود، گلی را ندیده که در شکنج مار باشد. تشبیه هیأتی مرکب از چند چیز است که به هیأتی دیگر به صورت پنهان و غیر صریح همانند شده است.

تشبیه مفروق: به نظر تفتازانی "هر «مشبه» با «مشبه به» خود ذکر می گردد، بعد باز مشبه دیگر با مشبه به خود، همین طور، تا هر مقداری که باشد؛ او را تشبیه مفروق گویند." (تفتازانی، ۱۳۷۲: ۱۶۹)

۱- طور تو چون شد سپهر با همه کس سرد مهر طرز تو چون اهل سحر دام نه ابتلا

(مولتانی، ۱۳۷۸: ۲۴۴)

شاعر یک بار طور ممدوح را به سپهر سرد مهر و بار دیگر طرز او را جداگانه به اهل سحر دام ابتلا نه همانند می کند.

۲- باشد به دفع چشم بد از روی چون مهت اختر سپند سوخته و مجمر آفتاب

(همان: ۲۵۵)

همه ی آفرینش خواستار ممدوح شاعر است به گونه ای که برای دفع چشم بد از روی اوست که ستاره همچون سپند سوخته و آفتاب همانند مجمر می شود.

تشبیه ملفوف: آنست که "چند «مشبه» (حداقل دو تا) جداگانه ذکر شود و سپس «مشبه به» های هر کدام به ترتیب جداگانه گفته شود. این گونه تشبیه مبتنی بر صنعت بدیعی «لف و نشر» است... مشبه ها در یک مصراع و مشبه به ها در مصراع دیگری است." (شمیسا، ۱۳۷۱: ۱۱۹) در این نوع تشبیه دو آرایه ی «تشبیه» و «لف و نشر» با هم می آمیزند تا تأثیر کلام مضاعف شود.

۱- مصحف خط و رخت را دید چون از بهر فال سوره ی نور و دخان در فال بود آینه را

(مولتانی، ۱۳۷۸: ۲۵۴)

وجود معشوق در تقدس چون مصحفی است که رخ معشوق سوره ی نور و خطش سوره ی دخان آن است و همین همانندی سبب خوش یمنی دیدار او شده است. همان گونه که بیان شد تشبیه مبتنی بر صنعت «لف و نشر» است و در این بیت لَف و نشر مشوش به کار رفته است.

۲- به زلف و چهره ی دلدار با هزار نشاط به کام دل گذراند همیشه لیل و نهار

(همان: ۲۹۴)

زلف همچون لیل و چهره چون نهار است. دOLF «زلف و چهره»، مشبه تشبیه ودو نشر «لیل و نهار»، مشبه به آن به حساب می آیند.

۳- چشم و رویش چو بنگرد از چشم گل نسرین و عبهر اندازد

(همان: ۳۱۰)

چشم معشوق چون «عبهر» و رویش چون «گل نسرین» است. که این تشبیه به یاری صنعت لَف و نشر بیان شده است.

تشبیه جمع: در صورتی که " «مشبه» واحد و «مشبه به» متعدد باشد تشبیه را تشبیه جمع گویند، زیرا متکلم جمع بین دو شیء و بیشتر در طرف مشبه به می کند." (تفتازانی، ۱۳۷۲: ۱۷۱)

۱- تا به دریای سرشکم آشنا گردیده چشم عین آتش می توانم گفت چون چشم حباب

(مولتانی، ۱۳۷۸: ۲۵۷)

یکبار چشم را از شدت گریه و سرخی ناشی از آن به «آتش» و بار دیگر به «حباب» تشبیه می کند و بدین گونه برای «مشبه» واحد «مشبه به» متعدد می آفریند.

۴- بیا که باده ی گلگون چو خوشه ی انگور گره گره شده از غصه بی تو در دل جام

(همان: ۳۳۵)

باده را یک بار از نظر رنگ به «گل» و بار دیگر از نظر «گره در گره بودن» به خوشه انگور تشبیه کرده است.

تشبیه تسویه: بر عکس تشبیه جمع، اگر «مشبه» متعدد و «مشبه به» یکی باشد تشبیه را تسویه گویند. کزازی از تشبیه تسویه با عنوان یکسان یاد کرده می نویسد: "آن است که چند مانده به یک مانسته مانند شده باشد. پیداست که در تشبیه یکسان پیوند در میان مانندگان چند گانه و مانده ی یگانه یکی بیش نمی تواند بود؛ زیرا پیوند ویزگی مانند و بارز بسته به آن، مانند نیز، در تشبیه یکسان، یکی بیش نیست." (کزازی، ۱۳۷۲: ۷۹)

۱- شاه و درویش از در فیضش چون مه از آفتاب کدیه گر است

(مولتانی، ۱۳۷۸: ۲۷۲)

«شاه و درویش»، هر دو با هم به «ماه» از جهت کدیه گری تشبیه شده است، «مشبه» متعدد و «مشبه به» واحد.

۲- از نسیم عنایت و کرمش رشک فردوس، گلخن سقر است

(همان: ۲۷۲)

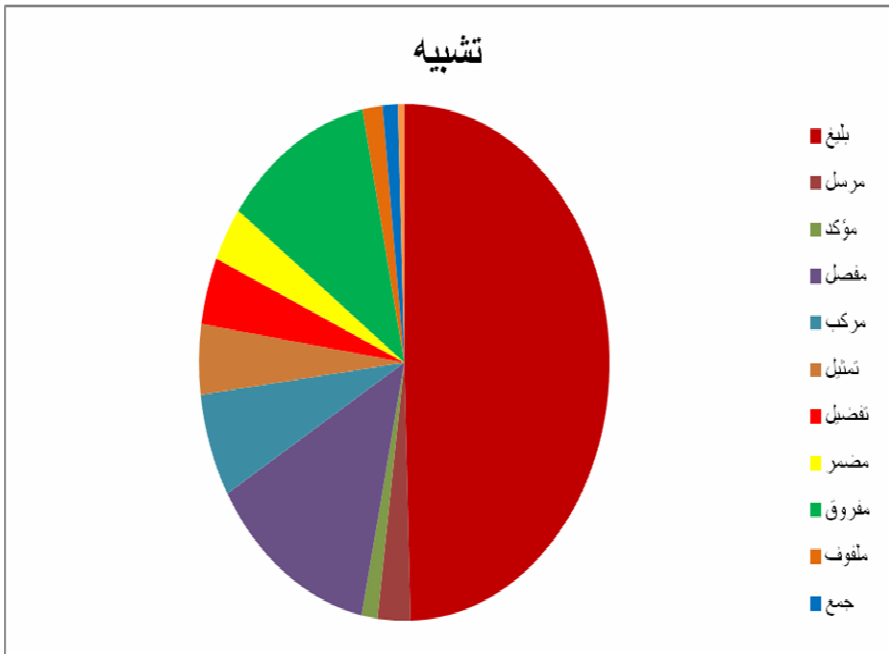
«عنایت و کرم» ممدوح به نسیم از نظر راحت رسانی و نوازشگری تشبیه شده است.

۳- به درهم مه و خورشید روشنی بخشد کند مزین اگر سکه ی تو روی فلوس

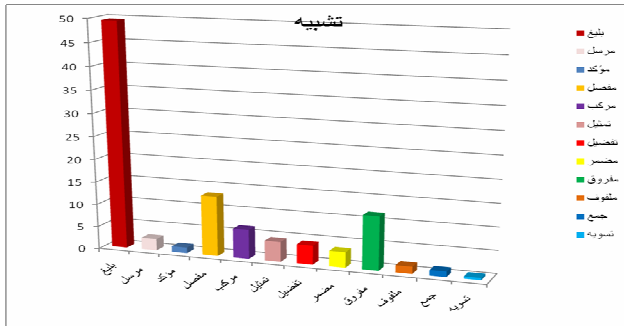
(همان: ۳۰۷)

«مه و خورشید» با هم به «درهم» تشبیه شده، در واقع دو «مشبه» برای یک «مشبه به» ذکر شده و صفت مشابهی برای آن دو بیان شده است.

نمودار شماره ۱: نمایش تشبیهات به کار رفته در دیوان «سعید مولتانی» به صورت نمودار دایره ای



نمودار شماره ۲: نشانگر تشبیهات به کار رفته در دیوان «سعید مولتانی» به صورت ستونی



نتیجه

در شعر «سعید مولتانی» علاوه بر رویکرد عمیق شاعر به تشبیه و بسامد بالای آن در دیوان او؛ تأثیر آن بر جان و دل خواننده نیز انکار ناپذیر است. شعر او به گونه ای است که مخاطب در آن فقط خواننده ی صرف نیست؛ بلکه نقش تولید کننده ای را در متن ایفا می کند؛ این امر به وضوح از بسامد بالای کاربرد «تشبیه بلیغ» در آثار او پیداست؛ همان طور که قبلاً ذکر آن رفت، تشبیه بلیغ مخاطب خود را برای یافتن «رابطه طرفین تشبیه» و «وجه شبه» به کوشش وامی دارد و قدرت تخیل او را نیز بالا می برد همین امر سبب دخالت خواننده در جریان اثر می شود. شاعر در دیوان خود تشبیهاتی را به کار نمی برد که گره گشایی آن سخت باشد و در صورت استفاده، به گونه ای، خواننده را در فهم آن یاری می کند؛ شعر سعید خان به خاطر همین طرز بیان ساده و روان، و در عین حال متین و استوار، و خالی بودنش از هر گونه تکلف از آثار دیگر شاعران سبک هندی کاملاً متمایز است و آن را به راحتی می توان فهمید. «سعید مولتانی» به میزان فراوان و تا حد امکان از تشبیه در دیوان خویش بهره جسته است و از این منظر سبک شعری او به طور نسبی به سبک خراسانی نزدیک می شود؛ گرچه گاهی مضامین کلیشه ای در تشبیهات او راه یافته که زیبایی شعر او را تحت تأثیر قرار می دهد ولی روی هم رفته تشبیهات او را باید از نمونه های دلاویز شعر فارسی در شبه قاره به حساب آورد.

منابع

- ۱- انوشه، حسن (۱۳۸۱) **دانشنامه ادب فارسی**، ج دوم، چاپ دوم، مؤسسه فرهنگی و انتشاراتی دانشنامه: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۲- تفتازانی (۱۳۷۲) **مفصل شرح مطول (علم بیان)**، ج دوم، ترجمه ابو معین حمید الدین حجت هاشمی خراسانی، قم: چاپ ستاره قم.
- ۳- خلیلی جهان تیغ، مریم (۱۳۸۰) **سیب باغ جان**، چاپ اول، تهران: انتشارات سخن.
- ۴- داد، سیما (۱۳۷۱) **فرهنگ اصطلاحات ادبی**، چاپ اول، تهران: مروارید.
- ۵- شفیع، محمد بشیر حسین، (۱۹۷۲) **فهرست مخطوطات**، لاهور: دانشگاه پنجاب.
- ۶- شفیع کدکنی، محمد رضا (۱۳۶۶) **صور خیال در شعر فارسی**، چاپ سوم، تهران: انتشارات آگاه.
- ۷- شمیسا، سیروس (۱۳۷۱) **بیان**، چاپ دوم، تهران: انتشارات فردوس.
- ۸- صدیق حسن خان، محمد صدیق (۱۳۸۶) **شمع انجمن**، مترجم محمد کاظم کهدویی، یزد: انتشارات دانشگاه یزد.
- ۹- علوی مقدم، محمد، اشرف زاده، رضا (۱۳۷۹) **معانی و بیان**، چاپ دوم، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت).
- ۱۰- کزازی، میرجلال الدین (۱۳۷۰) **بیان**، چاپ دوم، تهران: نشر مرکز.
- ۱۱- مازندرانی، محمد هادی بن محمد صالح (۱۳۷۶) **انوار البلاغه**، چاپ اول، به کوشش محمد علی غلامی نژاد، تهران: نشر قبله.

۱۲- میر صادقی، میمنت (۱۳۷۳) **واژه نامه هنر شاعری**، چاپ اول، تهران: انتشارات کتاب مهناز.

۱۳- مولتانی، محمد سعید (۱۳۷۸) **دیوان سعید خان مولتانی**، پایان نامه ی مقطع دکتری زبان و ادبیات فارسی غلام معین الدین نظامی، لاهور: دانشکده خاور شناسی دانشگاه پنجاب.

۱۴- هاشمی سندیلوی، احمد علی خان (۱۳۷۱) **مخزن الغرایب**، گردآورنده محمد باقر، مرکز تحقیقات ایران و پاکستان.

۱۵- هاوکس، ترنس (۱۳۷۷) **استعاره**، چاپ اول، ترجمه فرزانه طاهری، تهران: نشر مرکز.

۱۶- همایی، جلال الدین (۱۳۷۳) **معانی و بیان**، چاپ دوم، به کوشش ماهدخت بانو همایی، تهران: نشر هما.